

آمریکا و راه برون رفت از بحران عراق

حسین جعفری لاهیجانی
کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

در عراق و ارتباط رژیم صدام با گروه‌های تروریستی القاعده به این کشور لشکرکشی کرد اما پس از این که مشخص شد فریبکارانه اطلاعات، آمار و ارقام داده شده، اشتباه بود، نیازمند یافتن دشمنی شد که بتواند به واسطه آن در وهله‌ی اول ناکارآمدی و عدم موفقیت و در وهله‌ی دوم دلیل ادامگی اشغالگری خود را توجیه کند. هر چند به نظر می‌رسد در این رابطه آنان این جمله کنت والتز را که «اگر دشمن کسی را از او بگیری همانند این است که آب را از گیاه بگیری، گیاه خشک



ایالات متحده آمریکا در حالی در نخستین ایستگاه از طرح خاورمیانه خود یعنی عراق متوقف شده است که به زعم بسیاری از کارشناسان امور بین‌الملل و مسایل سیاسی، به نوعی دچار تناقض استراتژیک در سیاست‌های اعلامی و اجرایی خود در کشور عراق شده است.

وضعیت کنونی آمریکا در کشور عراق به نوعی است که برای برون رفت از این بحران، نیازمند حمایت‌های مادی و معنوی سایر کشورهای منطقه است. در این بین توجه به قدرت و نقش سیاسی استراتژیک جمهوری اسلامی ایران

در منطقه با در نظر داشتن پیشینه‌ی اشتراکات تاریخی، دینی و فرهنگی دو کشور می‌تواند حایز اهمیت به سزایی باشد.

اما مروری بر سیاست‌های کلی اعمال شده آمریکا در عراق، بیشتر نشان‌دهنده‌ی این نکته است که آنان مهم‌ترین قدرت همسایه عراق یعنی جمهوری اسلامی ایران را به دید یک تهدید می‌نگرند که این تهدید نباید قدرت بالقوه‌اش را به بالفعل تبدیل کند. بنابراین ایالات متحده علی‌رغم رسیدن به این نگرش که قدرت جمهوری اسلامی ایران درخصوص مسایل و مشکلات امنیتی عراق می‌تواند راهگشا باشد از افزایش نقش ایران در عراق و به دنبال آن گسترش حوزه نفوذ جمهوری اسلامی به شدت نگران است.

آمریکا که با همراهی ۱۶۰ هزار نیروی نظامی و اطلاعاتی در عراق و با گذشت بیش از ۵ سال از اشغال این کشور همچنان در حل مساله امنیت در این کشور ناکام مانده است، بر این باور است که جمهوری اسلامی ایران با کمک به شبه نظامیان و نیز بروز ناامنی در عراق یکی از مهم‌ترین عوامل به تاخیر افتادن گسترش امنیت در این کشور است. در این راستا آنان مدعی‌اند که ایران با تامین هزینه‌های مالی، تجهیزات جنگی و آموزش گروه‌های شورشی و جریان صدر در حال اجرای سیاست ضربه زدن به نظامیان آمریکایی در عراق است.

بنابراین از منظر دیگر می‌توان گفت که آمریکایی‌ها با این نگاه که ایران بزرگترین چالش امنیت ملی در کشور عراق است و پیروزی ایران در عراق به منزله‌ی افزایش

با کمی تأمل و بررسی در چگونگی چیدمان وقایع و حوادث می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از مهم‌ترین دلایل طرح اتهامات علیه ایران، ناکارآمدی سیاست‌های اشغال عراق است

می‌شود» را مدنظر قرار داده‌اند. اما در کنار نکات فوق، توجه به یکی از مهم‌ترین اصول بنیادین نئومحافظه‌کاران یعنی دشمن تراشی دایمی نیز می‌تواند حایز اهمیت باشد. تلاش برای ایجاد فضای رعب و وحشت، ماهیت سمت و سوی جهت‌گیری نئومحافظه‌کاران را مشخص می‌سازد. ایالات متحده با تاریخی که جنگ یکی از مهم‌ترین ریشه‌های فرهنگی آن است، سیاست‌های سلطه‌گرایانه و تهاجمی خود را از یک سو با جهت‌گیری ارزشی آمریکا مشروعیت بخشیده و از سوی دیگر با امنیتی ساختن فضا، آن سیاست‌ها را شدت می‌بخشد. در این بین با معرفی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای برهم زننده ثبات و آرامش در منطقه، به اعمال سیاست‌های خصمانه خود علیه ایران مشروعیت می‌دهد.

اما آنچه که در این مقطع و موقعیت می‌تواند به عنوان یک راهکار عملی برای ایجاد ثبات در کشور عراق که به دلایل دینی، مذهبی و قومی، طایفه‌ای با عدم وحدت ملی و چندپارگی مواجه است کارساز باشد. ایجاد زمینه و بسترهای لازم برای حفظ وحدت ملی و پرهیز از تفرقه‌افکنی و دامن زدن به اختلافات است. در این بین آنچه آمریکا باید همواره مدنظر داشته باشد این است که اتخاذ هر گونه ترتیبات امنیتی بدون حضور و در نظر گرفتن نقش جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها همسایه‌ای که با سه منطقه کردنشین، سنی‌نشین و شیعه‌نشین دارای مرز مشترک است، نمی‌تواند گره از معضلات امنیتی عراق باز کند.

قدرت منطقه‌ای این کشور و در تقابل با منافع راهبردی آمریکا است و در دو جبهه با گسترش و نفوذ نقش جمهوری اسلامی ایران و نیز گروه‌های تروریستی و شورشی عراق در حال نبرد هستند.

اما در خصوص اتهامات آمریکا علیه ایران، با کمی تأمل و بررسی در چگونگی چیدمان وقایع و حوادث می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از مهم‌ترین دلایل طرح اتهامات علیه ایران، ناکارآمدی سیاست‌های آمریکا در طول ۵ سال اشغال عراق است. آمریکا بر اساس طرح دو اتهام واهی یعنی برنامه تولید سلاح‌های کشتار جمعی